

بررسی سهولت و صعوبت نماز در اسلام و یهودیت

naqavi@iki.ac.ir

ebrahim.1414@yahoo.com

حسین نقوی / استادیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

کلیه ابراهیم بهادیوند چگینی / کارشناس ارشد دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۵

دریافت: ۹۸/۱۱/۱۵

چکیده

نماز یکی از مهم‌ترین عبادات در یهودیت و اسلام به‌شمار می‌رود. سهولت و صعوبت یکی از جنبه‌های نماز است که می‌توان آن را مورد مطالعه تطبیقی قرار داد تا برتری دین اسلام و جامعیت آن روشن شود. در این نوشتار صرفاً به سهولت و صعوبت نماز توجه شده است. با مراجعه به متون فقهی هر دو دین و با روش توصیفی - تحلیلی و توجه به ملاک و عوامل سهولت و صعوبت، این نتیجه به دست آمده که نماز در یهودیت، عبادتی صعب و مشقت‌بار است؛ برخلاف اسلام که با توجه به شروط مناسب و متناسبی که برای نماز و ارکان آن مقرر گردیده، عبادتی سهل و آسان است. براین‌اساس برتری اسلام در این جنبه یعنی سهولت و صعوبت ثابت شده است. از آنجاکه دین جامع باید تمام جوانب موردنیاز بشر را در نظر بگیرد، سهولت نماز در اسلام برخلاف یهودیت می‌تواند به نشان دادن یکی از جنبه‌های جامعیت دین اسلام کمک کند.

کلیدواژه‌ها: سهولت، صعوبت، نماز، اسلام، یهودیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مطالعه تطبیقی ادیان فواید بسیاری برای پیروان آنها می‌تواند دربر داشته باشد. یکی از این فواید اثبات برتری و جامعیت یک دین بر دیگر ادیان است؛ بنابراین از طریق بررسی تطبیقی آموزه‌های ادیان، به مصداق دین جامع می‌توان پی برد.

در یهودیت و اسلام نماز یکی از مهم‌ترین عبادات به‌شمار می‌روند و مطالعه تطبیقی سهولت و صعوبت نماز در این دو دین، ما را در این امر کمک می‌کند. با توجه به تتبع به‌عمل آمده، کتاب پایان‌نامه و یا مقاله‌ای مانند موضوع این نوشتار یافت نشد. بنابراین از این جهت کاری بدیع و حائز اهمیت است. هرچند مقالاتی به موضوع مورد بحث به صورت غیرمستقیم اشاراتی داشته‌اند، نظیر «سماحت و سهولت در شریعت اسلام» (عبداللهی‌نژاد، ۱۳۷۹)؛ و «نماز در آیین یهود» (سلیمانی اردستانی و قاسمی، ۱۳۹۲). از لحاظ کاربردی نیز این نوشتار برتری دین اسلام بر یهودیت را نشان خواهد داد که ضرورت و اهمیت این نوشتار را دو چندان خواهد کرد. سؤال اصلی در این مقاله در زمینه «چگونگی سهولت و صعوبت نماز در یهودیت و اسلام» است؛ سعی شده تا موارد سهولت و صعوبت نماز در اسلام و آیین یهود به دقت و با توجه به ملاکی که ارائه خواهد شد و همچنین با مشخص کردن عوامل صعوبت و سهولت، مقایسه شوند؛ و سؤال فرعی این در خصوص «مصادیق سهولت و صعوبت نماز در یهودیت و اسلام است»؛ لذا با بحث از ملاک سهولت و صعوبت و تفکیک عوامل از مصادیق سهولت و صعوبت، در نهایت روشن خواهد شد که کدام یک از این دو دین، در مسئله نماز رویکردی سهل و بدون تکلف دارد. ابتدا به بحث ملاک سهولت و صعوبت و پس از آن با اشاره‌ای به عوامل سهولت و صعوبت در هر دو دین، مصادیق این آنها بیان می‌گردد، آن‌گاه در پایان نتیجه‌گیری خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. سهولت و صعوبت

در کتاب *لسان‌العرب*، در مورد معنای سهولت این‌گونه آمده است: «السَّهْلُ نَقِیضُ الْحَزْنِ وَ السُّهُولَةُ ضِدُّ الْحُزْنِ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۴۹)؛ یعنی سهل مقابل زمین سنگلاخ و ناهموار است و سهولت نیز مقابل مکان سخت و بلند است. با توجه به معنای لغوی

آن، سهولت در اصطلاح به معنای آسانی در امور و کارهاست. صعب برخلاف سهولت و آسانی است و نیز برخلاف رام و فرمانبر بودن است. ریشه صعوبت نیز «صعب» است و صعوبت از مشتقات آن می‌باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۸۶). با توجه به معنای لغوی، صعوبت در اصطلاح به معنای سخت و دشوار و مشکل شدن امور است.

نماز در آیین یهود (مراد یهودیت موجود است نه آیینی که خدا بر حضرت موسی نازل کرد) مستقلاً از ناحیه شارع تشریح نشده است. شاهد این مطلب می‌تواند این باشد که در عهد عتیق فقط یک بار واژه نماز به کار رفته است و آن هم نه به‌مثابه یک عبادت (نحمیا، ۱: ۱۷). به اعتراف علمای یهودی، پس از خرابی معبد در سال ۷۰م و از دسترس خارج شدن تنها مکان رسمی عبادت یهودیان، «سنهدرین» به معنای «مجمع کبیر» در صدد برآمد تا جایگزینی برای اصلی‌ترین و مهم‌ترین عبادت یهودیان یعنی «قربانی» پایه‌ریزی کند، تا از این راه، خلأ عبادت پیچیده قربانی را پر کند (ر. ک: بی‌ناس، ۱۳۷۰، ص ۵۵۴-۵۵۶؛ پیترز، ۱۳۹۲، ص ۸۷-۸۶). لذا این جایگزینی که دست بشر در تدوین آن دخیل بود موجب به وجود آمدن قوانین، احکام، شروط و جزئیاتی صعب و حرجی در نماز یهودیان شد.

با توجه به اینکه هدف از خلقت انس و جن در نظام تشریح، تکامل عبادی آنهاست و چون انسان دارای روح مجرد عقلی است، آن را شکوفا کند و از همراهان خود سبقت بگیرد، خودش هدف بسیاری از موجودات مادون قرار خواهد گرفت (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۳-۲۴). لذا عبادات در هر دینی شاکله آن دین را تشکیل می‌دهد و اگر دینی عبادتی نداشته باشد، هویت خود را از دست خواهد داد. بنابراین اگر دینی در امر عبادات که مؤمنان آن دین در طول عمر خود، از هنگام بلوغ شرعی درگیر آن هستند، مشی سخت‌گیرانه‌ای داشته باشد، پر واضح است که موجب عسر و حرج مکلفان خواهد شد و چه‌بسا آنها نتوانند از طریق این عبادات که پلی برای رسیدن انسان‌ها به قرب الهی است، این مسیر را به آسانی طی کنند. لذا ادیان نباید عمل به احکام دینی را صعب و مشقت‌آور کنند، تا هم مکلفان شور و شوق خود را برای انجام تکالیف عبادی از دست ندهند و هم اینکه هدف بزرگی که برای عبادات در نظر گرفته شده، هرچه آسان‌تر محقق شود.

۲. ملاک سهولت و صعوبت: قاعده تکلیف به اندازه وسع

تکلیف هر انسانی به اموری مانند بلوغ، عقل و قدرت مشروط است. از این میان، محل بحث ما شرط «قدرت» است، که نیاز به شرح و توضیح دارد. مراد از قدرت که در تکالیف شرعی معتبر است، فقط آن مقداری نیست که عمل به تکالیف بدون آن امکان ندارد و نیز فقط آن مقداری نیست که انجام عمل با عسر و حرج همراه است که قرآن آن را صریحاً نفی می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸)؛ «بِرِيدِ اللَّهِ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يَرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) و «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶). خدا به انسان نه به اندازه طاقتش، که به اندازه وسعش تکلیف می‌کند. یعنی احکام اسلام نه فقط در حد عسر و حرج انسان ولو آن چه طاقتش را داشته باشد، نیست؛ بلکه سبک‌تر و آسان‌تر است. از این رو صحیح است که گفته شود که قدرت معتبر در هریک از تکالیف شرعی «قدرت عرفی» است، که مقرون به یسر و آسانی است و «قدرت عقلی» نیست که با عسر و سختی هم صدق می‌کند؛ و این یک اصل و ضابطه است که در هر عملی می‌توان به آن تمسک کرد، مگر در موارد استثنایی که دلیل خاصی آن را از این اصل یا ضابطه خارج کند؛ مانند جهاد، که چه در اسلام و چه در ادیان دیگر، طبعاً با عسر و سختی مقرون است. در عین حال، در جهاد نیز معتبر شده که به حرج، که شدیدتر از عسر و سختی است، نرسد؛ زیرا حرج حتی در جهاد نفی شده است. چنان‌که قرآن صریحاً می‌فرماید: «أَيُّسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْمُرِيضِ حَرَجٌ...» (نور: ۶۱)؛ یعنی بر کور و نیز بر لنگ و بر بیمار حرجی نیست که در جهاد شرکت نکنند. در هر صورت، ضابطه مزبور ملاک روشن و مهمی است برای تشخیص فعلیت هر تکلیفی بر هر مکلفی و چه بسا که با همین ملاک، حکم بشود که فلان تکلیف به عهده فلان مکلف باشد و به عهده دیگری نباشد. حتی نسبت به یک مکلف ممکن است حکم شود که مثلاً اگر نماز ایستاده در وسع او نیست، بلکه برایش عسرت دارد، تا چه رسد به اینکه برایش حرجی باشد - و لو اینکه در این دو فرض نیز، قدرت عقلی وجود دارد - نشسته بخواند، همچنین اگر نماز نشسته در وسع او نیست، خوابیده بخواند و همین‌طور نسبت به هر حالتی که قدرت عرفی، یعنی توأم با یسر و آسانی ندارد، به حالت پایین‌تر از آن اکتفا کند و لو اینکه به حالتی برسد که به کمترین ذکر بپردازد و حتی به کمتر از آن، که

فقط حضور قلب است، برای کسی که مثلاً در حال غرق شدن در دریاست (فرحی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۷-۲۸۹).

اما در یهودیت آنچه از بررسی نماز به دست می‌آید، این است که قدرت در اکثر نمازها و ارکان و شرایط و قوانین و احکام آن «قدرت عقلی» است، نه عرفی؛ و آن نیز شواهد بسیاری در نماز یهودیان دارد؛ مانند نماز تقریباً ۳ ساعته روز شنبه و پوشش نمازگزار در نمازهای صبح و... لذا به خاطر همین رویکرد یهودیان که قدرت لازم در انجام تکالیف عبادی را، در بسیاری از موارد «قدرت عقلی» می‌دانند، شاهد موارد زیادی از عوامل و مصادیق عسر و حرج و صعوبت و به سختی و مشقت افتادن در انجام نمازهای یهودیان هستیم. از این رو عوامل صعوبت و سهولت در نماز را با ملاک مزبور «قدرت در انجام تکلیف، عرفی است نه عقلی» در نماز نشان خواهیم داد.

۳. بررسی سهولت و صعوبت نماز در آیین یهود

پیش از ادامه بحث، لازم است که در مورد عوامل سهولت و صعوبت نماز در آیین یهود توضیحاتی ارائه شود. عوامل سهولت و صعوبت متعدد و مختلف است. برای نمونه، گاهی شرایط زمانی موجب سهولت و صعوبت می‌شود؛ مانند طولانی بودن مدت زمان خواندن نماز؛ و یا شرایط مکانی، مانند مقرر شدن مکان‌های خاص برای نماز. عامل دیگر، جهانی نبودن و جامعیت نداشتن یک دین است که باعث می‌شود عبادات آن دارای صعوبت شوند؛ زیرا در دین جهانی احکام نسبت به تمام انسان‌ها وضع می‌شود و لحاظ شدن همه، باعث سهولت آنها می‌شود. عامل دیگر «تحریف» در یک دین است که می‌تواند زمینه را برای صعوبت عبادات از جمله نماز فراهم کند. چون هنگامی که دست بشر در عبادات دخیل شد، به علت عدم فهم صحیح از حکمت عبادات و نحوه صحیح انجام آنها به گونه‌ای که با هدف موردنظر از عبادات همخوانی داشته باشد، زمینه را برای سخت‌تر شدن و چه بسا در برخی موارد سهل‌تر شدن عبادات فراهم خواهد کرد.

۳-۱. صعوبت در مدت زمان نماز یهودیان

اولین عاملی که تمام نمازهای یهودیان اعم از نمازهای روزانه و مناسبتی و ویژه را دچار صعوبت و سختی کرده است، طولانی بودن مدت خواندن نماز است. با توجه به مقدمات نماز که هر کدام علاوه بر انجام خود مقدمه، نیاز به گفتن براخاهای (دعاها) نیز دارند و

برای نطیلا گرفتن احتیاج نباشد که بیش از دو متر راه رفت. اگر ظرف نطیلا در فاصله‌ای دورتر از دو متری تختخواب او قرار دارد و اگر امکان ندارد که شخص دیگری آن را برای او بیاورد، می‌تواند این مسافت را درحالی که دو متر به دو متر توقف می‌کند طی کند. اگر آب موجود در ظرف نطیلا، فقط برای نطیلا گرفتن انگشتان کافی است و برای تمامی دست کفایت نمی‌کند، فقط انگشتان خود را نطیلا بگیرد و سپس می‌تواند دو متر به دو متر قدم بردارد و ظرف نطیلا را پر کند و دوباره به‌طور کامل نطیلا بگیرد. آب نطیلا را نباید به هیچ‌عنوان بر روی زمین، مخصوصاً در محل عبور افراد ریخت. هنگام نطیلا گرفتن ظرف را باید زیر دست خود قرار داد تا آب نطیلا در آن ریخته شود و سپس آن را در دستشویی یا در محلی دیگر که به فاضل آب می‌ریزد، خالی کرد. اگر احياناً این آب روی زمین ریخته شده، نمازگزار باید بر آن مقدار زیادی آب بریزد و بدین وسیله آن را باطل کند. ناپاکی آب نطیلا حتی از ناپاکی «ادرار» بیشتر است؛ لذا گفتن پراخا (دعا) و آموزش و خواندن تورات در مقابل نطیلا ممنوع است، تا آنکه آن را از اتاق خارج کرده و یا آن را بپوشاند. اگر دست وی بعد از نطیلا گرفتن به کسی که هنوز نطیلا نگرفته، تماس پیدا کند، باید بار دیگر نطیلا بگیرد (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۹-۸۱).

آبی که از آن برای نطیلا استفاده شده را نباید به مصرف دیگر کارها مانند نوشاندن آن به چهارپایان و پرندگان رسانید و یا اینکه با آن لباس شست و یا اینکه گل درست کرد و در دیگر کارها به کار برد (باشار، ۱۳۶۴، ص ۴). قبل از نطیلا گرفتن نباید بینی، دهان، چشم، گوش، و غیره را لمس کرد. همچنین نباید زخم باز و سایر جاهای باز بدن را لمس کرد و یا اینکه به خوراکی و نوشیدنی دست زد (همان، ص ۵).

آب نطیلا باید پاک و تمیز باشد. آبی که رنگ آن تغییر کرده و یا بو گرفته باشد و یا کاری با آن انجام داده باشند و حتی اگر لقمه نان در آن فرو کرده باشند، نطیلا گرفتن با آن جایز نیست (آذر حیان، بی‌تا، ص ۴۴).

۳-۳. صعوبت در پوشش نمازگزار

در نمازهای صبح یا یکی از نمازهای روزانه که پوشیدن طلیت (شال نماز) و بستن تفیلین (تعویذ یا حرز نماز) لازم است، عاملی می‌شود برای در عسر و مشقت قرار گرفتن نمازگزار، به‌ویژه با توجه به نحوه پوشیدن طلیت و طریقه بستن و درآوردن تفیلین و قوانین و احکام آنها، که عبارت است از:

سپس بعد از خواندن «متن لحن» که متنی نسبتاً طولانی است، باید برخی از دعاها، قرائت تورات، مزامیر و سرودهای نیایشی نیز خوانده شود که در مجموع، یک وعده نماز روزانه یهودیان تقریباً یک ساعت به طول می‌انجامد و این طولانی بودن در نمازهای ویژه و مناسبتی به اوج خود می‌رسد. برای نمونه در نماز شبات، در شب و روز شنبه، متن شموه عسره (یعنی دعای اصلی هجده‌گانه نماز یهودیان) و مقدمات و مؤخرات نمازها تغییر می‌کند و عمدتاً به موضوع قداست روز شنبه اختصاص می‌یابد. همچنین صبح روز شنبه، علاوه بر نماز صبح یک نوبت نماز اضافی تحت عنوان «موساف» نیز خوانده می‌شود که یادآور قربانی اضافی است، که در این مواقع (اعیاد، ایام تعطیلی و شنبه) در معبد پیش کش می‌شد (هینلز، ۱۳۸۵، ص ۶۴۰). موساف با آرام خواندن عمیدا شروع شده، سپس مجدداً جمعی خوانده می‌شود و بخش‌هایی از سفر اعداد در خصوص قربانی‌هایی که در هیکل صورت می‌گرفت، قرائت می‌شود. صبح روز شنبه پس از نماز صبح، از طومار تورات یک بخش کامل قرائت می‌شود. اسفار پنج‌گانه تورات، به پنجاه و چهار فصل تقسیم شده که هر فصل آن در هر هفته قرائت می‌شود؛ به‌طوری‌که در پایان یک سال، یک دوره قرائت آن کامل می‌گردد. همچنین در نماز عصر روز شنبه نیز بخش کوتاهی از سفر تورات قرائت می‌شود. با غروب آفتاب روز شنبه، متن نماز شامگاه به شکل عادی و تنها با تغییراتی جزئی خوانده می‌شود (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲). نوعاً یک برنامه کامل صبح شنبه بین ۲/۵ تا ۳ ساعت طول می‌کشد، درحالی‌که حتی طولانی‌ترین نماز روزانه کمتر از یک ساعت به طول می‌انجامد (هینلز، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱).

۳-۲. صعوبت در نطیلا گرفتن

در نطیلا (وضو در آیین یهود) گرفتن، مخصوصاً در صبح، تعداد زیادی از ممنوعیت‌ها و قوانین دست‌وپاگیری وجود دارد که موجب صعوبت شده‌اند:

بلافاصله پس از برخاستن از خواب باید نطیلا گرفت و قبل از نطیلا گرفتن نباید به هیچ‌یک از لباس‌های خود دست زد و حتی از پوشیدن جوراب می‌بایست خودداری شود. قبل از نطیلا گرفتن ممنوع است که بیش از دو متر بدون توقف قدم برداشت. بنابراین باید ظرف نطیلا را نزدیک تخت خواب و به فاصله کمتر از دو متر قرار داد تا

۱-۳-۳. نحوه پوشیدن طلیت

نمازگزار بعد از گفتن براخای صیصیت (بندهایی که به طلیت آویزان می‌کنند)، در ابتدا فقط سر خود را می‌پوشاند به این صورت که چهار گوشه طلیت را از دو قسمت جلوی آن آویزان می‌کند؛ به این ترتیب که دو گوشه در سمت چپ و دو گوشه در سمت نمازگزار قرار گیرد. دو گوشه سمت راست را بر روی کتف چپ می‌اندازد و طبق قبالا به مدت رفتن دو متر «حدود دوثانیه» صبر کند و سپس دو گوشه طرف چپ را نیز بر روی کتف راست می‌اندازد و به اندازه رفتن دو متر مکث می‌کند (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶-۲۷).

گوشه‌های طلیت باید حتماً زاویه قائمه باشند، حتی اگر یکی از چهارگوشه‌های آن گرد شده باشد، نمی‌توان به آن طلیت، بندهای صیصیت آویزان کرد. صحیح نیست که طلیت را در شب به صورت تا نکرده باقی گذاشت و اگر فراموش کرد و آن را تا صبح روز بعد، تا نکرده، قبل از پوشیدن باید آن را بتکاند (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴-۳۶).

۲-۳-۳. نحوه گره زدن بندهای صیصیت

نمازگزار باید چهار بند از هر گوشه طلیت (طلیتی که چهار گوشه دارد) رد کند، بدین صورت که هشت بند از هر گوشه طلیت آویزان خواهد بود. طول هر کدام از این هشت بند از لبه طلیت باید حداقل دوازده «گودال» تقریباً ۲۴ سانتیمتر باشد، اما اگر از این مقدار کمتر شد، هنوز می‌توان از آن استفاده کرد. در ابتدا چهار بند صیصیت را که یکی از آنها بلندتر از سایر بندها است، از سوراخی که در گوشه طلیت وجود دارد رد کند، که در نتیجه دو دسته بند، به طول مساوی که هر کدام از چهار رشته تشکیل شده‌اند در دو طرف آن دو گوشه به‌وجود خواهد آمد. بر یکی از این دو دسته‌ها باید علامت گذاشت تا اینکه با دسته دیگر عوض نشود. این دو دسته بند را با یکدیگر دو مرتبه گره بزنند، سپس آن بند بلندتر را گرفته، هفت حلقه بر سایر رشته‌ها گره بزنند؛ سپس بند بلندتر را گرفته، هشت حلقه دیگر بر سایر بندها گره زده و مجدداً دو دسته بندها را با یکدیگر گره بزنند، سپس یازده حلقه و بار دیگر آن دو دسته را با یکدیگر دوباره گره بزنند. به دنبال آن سیزده حلقه دیگر به آن رشته‌ها گره زده و بعد از آن مجدداً دو دسته بندها را دو بار دیگر گره بزنند. مراحل بالا را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: دو گره - هفت حلقه - دو گره - هشت حلقه - دو گره - یازده حلقه - دو گره - سیزده حلقه - دو گره، در نهایت جمع آنها سی و نه حلقه می‌شود (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷-۳۹).

باید آویختن، گره زدن و حلقه زدن بندهای صیصیت «لیشما» باشد، یعنی در هنگام آویختن و گره زدن بندها لازم است که به یاد داشت که آنها را به نیت صیصیت گره می‌زند، لذا بندهایی که بدون یاد داشتن این موضوع گره زده شده‌اند، قابل استفاده نبوده و باید آنها را باز کرده مجدداً گره زد (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹). هر روز، حتی روزهای وسط اعیاد، بجز شب‌ات و اعیاد، بندهایی که به یکدیگر گره خورده‌اند و یا در هم گیر کرده‌اند را باید از هم جدا کرد (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵).

۳-۳-۳. نحوه بستن تفیلین

مکان بستن تفیلین بر روی بازو و در نیمه اول برآمدگی عضله بازو (از طرف آرنج است) و نمازگزار باید دقت کند که آن را بالاتر یا پایین‌تر از این مکان قرار ندهد. پس از محکم کردن تفیلین بر بازو، گره تفیلین را توسط بند آن به خانه تفیلین می‌چسباند، سپس بند تفیلین را پایین‌تر از آرنج کشیده و هفت دور کامل به دور دست خود بپیچد و سپس بایستد و تفیلین سر را بپوشاند. به مجرد اینکه تفیلین سر را پوشید در همان حال که ایستاده، بستن تفیلین دست را تکمیل کند؛ بدین صورت که بند تفیلین دست را به طرف انگشت وسط کشیده و یک حلقه به دور بند دوم انگشت و سپس دو حلقه به دور بند پایین آن انگشت می‌پیچد (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷-۵۹).

۴-۳-۳. قوانین تفیلین

حرف زدن یا انجام هر عمل دیگر بین بستن تفیلین دست و سر ممنوع است. اگر بین بستن تفیلین دست و گذاشتن تفیلین سر حرف زد، باید قبل از گذاشتن تفیلین سر، براخا بگوید. باید دقت کرد بین پوشیدن تفیلین دست و سر حتی با چشمان و انگشتان خود به دیگران اشاره نکند (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳-۵۴).

نمازگزار باید دقت کند که تفیلین سر را فقط بعد از بستن تفیلین دست بر روی بازو از کیسه تفیلین بیرون آورد. اگر به دلایلی شخص دیگری برای او تفیلین را از کیسه آن خارج می‌کند، آن شخص نیز تفیلین سر را از کیسه آن خارج نکند، تا اینکه او تفیلین دست را بپوشد. کسی که فقط تفیلین سر دارد، آن را بپوشد و اگر پس از آن برایش تفیلین آوردند، تفیلین سر را بیرون آورده و پس از گفتن براخا آنها را به ترتیب بپوشد. اگر طلیت در دسترس نداشت و تفیلین را

برابر ارزش خوراک معمول یک روز) از صداقا باز خرید کند. اگر هنگامی که تقیلین در کیسه خود قرار دارد، به زمین افتاد در این صورت احتیاجی به تعینت گرفتن نیست (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۷۴-۷۵).

۳-۳-۵. صعوبت در مکان نماز

برخی محدودیت‌ها در مکان نماز موجب در تنگنا قرار گرفتن نمازگزار می‌شود؛ مانند در مکانی که بدبو، آلوده، کثیف یا مکانی که مدفوع آنجا هست، نماز خواندن جایز نیست. یا در جایی که، وان یا دوش موجود باشد، با آنکه تمیز هم باشند، نمی‌توان تقیلا یا شمع یسرائل و براخا خواند. یا مثلاً در مرغداری‌هایی که کثافت وجود دارد، جایز نیست تقیلا و متون مقدس خوانده شوند. (یاشار، ۱۳۶۴، ص ۱۱).

۳-۳-۵-۱. قوانین مکان تقیلا

اگر در مکانی، سطحی وجود دارد که به اندازه سه طَفَح (تقریباً ۲۴ سانتیمتر) یا بیشتر از سطح آن مکان، بلندتر است، نمی‌توان بر روی آن ایستاد و تقیلا خواند، مگر اینکه مساحت آن قسمت به اندازه کافی «دو متر در دو متر» بزرگ‌تر باشد و یا اینکه آن حداقل، از سه طرف دارای حصار باشد. چون در این صورت آن قسمت از مکان اصلی مجزا بوده و برای خود محلی جدا محسوب می‌شود.

باید توجه کرد که در هنگام خواندن تقیلائی لَحْش (به متن نماز یهودیان، لَحش می‌گویند)، هیچ مانع بزرگی که چهار طَفَح در چهار طرف به بلندی ده طَفَح (تقریباً ۳۲ در ۳۲ سانتیمتر) یا بزرگ‌تر است از طرف مقابل، بین او و دیوار قرار نداشته باشد. به استثنای اشیایی که محل آنها معین است، مانند: تِوَا (میزی که حزان «شالچ صیبور» (پیش نماز) در مقابل آن می‌ایستد و تقیلا می‌خواند) (تقیلائی عزرا، بی تا، ص ۵۱)، صندلی، میز و... این موارد با وجود اینکه بزرگ هستند، ولی می‌توان در مقابل آنها تقیلا خواند. در فاصله دو متری از شخصی که در حال خواندن قسمت‌های مختلف از تقیلائی لَحش است، چه در جلوی او و چه از طرفین و پشت سر، مجاز نیست که کسی بنشیند. دیگران حتی کسانی که در حال خواندن و حتی فراگیری تورات هستند، نمی‌توانند در فاصله دو متری شخصی که در حال خواندن تقیلائی لَحش است بنشینند. اگر شخصی در مکانی که مخصوص خواندن تقیلا است، نشسته بود و شخص دیگری در فاصله دو متری او، شروع به خواندن تقیلائی لَحش کرد، آن شخص

بدون طلیت پوشید، بعد از آنکه برایش طلیت آوردند، ابتدا تقیلین را بیرون آورده و سپس طلیت و تقیلین را به ترتیب می‌پوشد؛ لکن در این صورت احتیاج به گفتن براخا بر روی تقیلین نیست (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۶۰-۶۱).

طرف براق و سیاه رنگ گره‌های تقیلین سر و دست، باید به سمت بیرون باشد و اگر برعکس شدند و بعداً متوجه شد، صحیح است که یک روز «تعینت» (روزه) بگیرد. اگر تعینت گرفتن برایش دشوار است و مشکل است، می‌تواند آن را با مقداری پول باز خرید کرده و آن پول را به کاهن (یهودی از نسل هارون) بدهد. تقیلین و بندهای آن باید به رنگ مشکی باشند، لذا اگر به مرور زمان رنگ آنها پاک شدند و به سفیدی گراییدند، باید دوباره آنها را رنگ بزنند. عمل رنگ زدن تقیلین باید به وسیله افراد آگاه به قوانین تقیلین انجام گیرد (مجموعه قوانین، ج ۱، بی تا، ص ۶۸).

کسانی که از عینک استفاده می‌کنند باید توجه کنند که دسته‌های عینک، بین پوست سر و بندهای تقیلین قرار نگیرند. اگر این موضوع امکان ندارد، حداقل در موقع خواندن شِمَع یسرائل (بشنو اسرائیل) و براخاهای آن و خواندن تقیلا باید این امر را انجام دهد (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۶۹).

ترتیب بیرون آوردن تقیلین مانند ترتیب پوشیدن آن است. بدین ترتیب که اول ایستاده حلقه‌های انگشت وسطی را آزاد کند و سپس بنشیند و سه حلقه از حلقه‌های بازو را باز کرده و به دنبال آن ایستاده و تقیلین سر را بیرون آورد و در مرحله آخر، در حال نشسته، تقیلین دست را از بازوی خود خارج کند (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۷۲).

اگر کیسه تقیلین او با بند بسته می‌شود، دقت کند که به هنگام بستن کیسه، بند را به دور کیسه بپیچد، نه کیسه را به دور بند. اگر کیسه تقیلین را درون کیسه طلیت می‌گذارد، برحذر باشد که کیسه تقیلین زیر طلیت و یا زیر سیدور قرار نگیرد؛ بلکه آن را در یک طرف و طلیت را در طرف دیگر قرار بدهد. چون در ابتدا تقیلین دست را می‌بندد، لذا تقیلین سر را نباید قبل از تقیلین دست از کیسه خارج کند. بنابراین قبل از بیرون آوردن تقیلین با دست آن را لمس کند تا مطمئن باشد تقیلینی که می‌خواهد خارج کند، تقیلین دست است.

اگر تقیلین حتی از بلندی کمتر از هشتاد سانتیمتری از دست او به زمین بیفتد، باید در آن روز تعینت بگیرد. اگر به دلیل ضعیف و یا به دلایلی دیگر تعینت برای او مقدور نیست، آن را با دادن مقداری پول

چشمان باز مجاز نیست؛ بلکه در این صورت چشمان خود را باید ببندد (مجموعه قوانین، ج ۱، بی تا، ص ۲۱۷).

لحش به صورت آهسته خوانده می شود (طاهری آکردی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰)، اما در تفیلاهای شحریت و مینحا، دوباره بخش لحش، توسط پیش نماز با صدای بلند قرائت می گردد (اشرفی، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

اگر کسی در هنگامی که تفیلائی لحش می خواند، کودکی در آن مکان، رفع حاجت کرد، در مرحله اول سعی کند که آن مدفوع را بپوشاند و اگر هنوز بوی بد از آن خارج می شود، باید به اندازه دو متر از مکانی که بوی آن قطع می شود، فاصله بگیرد. اگر این موضوع برای او امکان ندارد، بدون آنکه صحبتی کند به اتاق دیگر رفته و تفیلائی خود را ادامه دهد (همچنین اگر متوجه شد که کودکی پوشک خود را کثیف کرده است و از آن بوی بد خارج می شود، باید از او به اندازه دو متر فاصله بگیرد و اگر امکان ندارد به اتاق دیگر برود) (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۰) اگر دیگران در آن مکان تفیلا می خوانند، و از وجود مدفوع در آنجا مطلع نیستند، سعی کند که با اشاره، و بدون اینکه صحبتی کند آنان را مطلع سازد تا از آن محل دور شوند. اگر مطلع نمودن آنها بدون صحبت کردن امکان پذیر نیست، می تواند با صحبت کردن آنها را مطلع سازد تا اینکه آن محل را ترک کنند و تفیلا را در محل دیگر ادامه دهند. اگر در آن مکان فقط ادرار وجود دارد، کافی است که او تنها از آن، دو متر فاصله بگیرد و تفیلائی خود را ادامه دهد و در این مورد احتیاج نیست که دیگران را که در آن محل تفیلا می خوانند مطلع سازد (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۱).

۳-۳-۷. صعوبت در قرائت تورات

قرائت عمومی تورات بنا بر قانون تلمودی، نیازمند حد نصاب، یعنی ده مرد یهودی است (اپستاین، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷). شخص نابینا برای گفتن براخای تورات دعوت نمی شود؛ زیرا گوینده براخا باید حروف و کلمات تورات را مشاهده کند. بنابراین گوینده براخا ابتدا باید آیه را نگاه کند و سپس روی آن را بپوشاند و براخای اولیه را بگوید، سپس کلمه به کلمه همراه شخصی که تورات را قرائت می کند، تکرار کند. پس از خاتمه دوباره روی تورات را می پوشاند و براخای بعدی را خواهد گفت. در تمام مدت تلاوت براخاها و قرائت تورات، طومار تورات را باید با دست گرفت. در روزهای دوشنبه و پنجشنبه و عصر شبات، هنگام بیرون آوردن سفر تورات، فقط باید سه نفر برای براخا

باید بایستد و یا اینکه آن مکان را ترک کند. جایز نیست از مقابل حزان (پیش نماز) حتی اگر او در حال خواندن سایر قسمت های تفیلا می باشد، عبور کرد. حتی اگر در مقابل شخصی که تفیلائی لحش می خواند دیوار شیشه ای قرار دارد، باید برحذر بود که از جلوی او عبور کرد تا اینکه آن شخص تمرکز حواس خود را از دست ندهد (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۳).

۳-۳-۶. صعوبت در خواندن تفیلائی لحش

قبل از خواندن تفیلائی لحش در صبح، خوردن و نوشیدن ممنوع است. همچنین قبل از خواندن تفیلائی لحش در صبح، جایز نیست که به انجام کارهای خصوصی خود بپردازد و فقط بعد از اتمام تفیلا، جایز است به کارهای خود بپردازد. اگر شخصی به اندازه ای احتیاج به رفع حاجت بزرگ (مدفوع) داشت، که حداقل به مدت ۷۲ دقیقه قادر به تحمل آن نمی بود، و با این وجود تفیلائی لحش را خواند، این تفیلا مورد قبول نیست و می بایست بار دیگر تفیلائی لحش را بخواند. این موضوع راجع به رفع حاجت کوچک (ادرار) صادق نیست و نیاز نیست که تفیلا را بار دیگر بخواند (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹).

صحیح نیست نماز گزار برای جلوگیری از ضرر مالی حتی اگر سرمایه خود را ممکن است از دست بدهد، زمان تفیلائی لحش را از دست بدهد (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۸).

نماز گزار باید مواظب باشد که در موقع تفیلا درون گوش های خود را با انگشتان تمیز نکند. اما می تواند این کار را توسط دستمال انجام دهد (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۰).

کسی که در حال نماز است، اگر به او شالم (سلام) کردند، هر چند شخص خیلی مهمی باشد، نباید جواب شالم را بدهد و حتی اگر ماری به پای او پیچید، نباید نماز خود را قطع کند؛ اما می تواند فقط قدری حرکت کند تا مار بیفتد. ولی اگر عقرب به او نزدیک شد می تواند قطع کند و عقرب را بکشد، اگر این فاصله مدت زیادی ادامه داشت، باید مجدداً از اول نماز را شروع کند (آذرحیان، بی تا، ص ۲۹).

خواندن تفیلائی لحش در مقابل آینه یا عکس مجع (که دارای برآمدگی و فرورفتگی است) حتی اگر چشمان خود را می بندد، ممنوع است؛ چون به نظر می رسد که به تصویر خود و یا به آن عکس تعظیم می کند (مجموعه قوانین، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۶).

خواندن تفیلا لحش در مقابل عکس معمولی و غیر مجع با

موضوع را پس از اینکه زمان خواندن تفیلائی مینحا فرا برسد، تا تفیلائی مینحا را نخواند، جایز ندانسته‌اند:

اصلاح سر، به این دلیل که مبدا درحالی که قسمتی از سر را اصلاح کرده است، یکی از وسایل اصلاح او خراب شود و تا زمانی که، وسیله‌ای دیگر فراهم شود، زمان خواندن تفیلائی مینحا را از دست بدهد. اما اگر آن سلمانی وسایل زاپاس در اختیار دارد، می‌توان قبل از تفیلائی مینحا نزد وی اصلاح کرد. در هر صورت شایسته نیست که اصلاح سر را در بعد از ظهر انجام داد.

حمام کردن قبل از تفیلائی مینحا؛ ولی اگر او به شخصی بسپارد که وی را یادآوری کند که هنوز تفیلائی مینحا را نخوانده است، می‌تواند قبل از تفیلائی مینحا به حمام برود.

همچنین حاخام‌ها مجاز ندانسته‌اند که قاضی قبل از خواندن تفیلائی مینحا، قضاوت را شروع کند.

اگر هنوز تفیلائی مینحا را نخوانده است، صرف غذای مفصل، از سه ساعت و نیم پس از نیمه روز، جایز نیست؛ اما می‌تواند به شخصی بسپارد که به او یادآوری کند که هنوز تفیلائی مینحا را نخوانده است.

اشخاصی که هنوز تفیلائی مینحا را نخوانده‌اند، به شرطی می‌توانند در مجالس میلا (ختنه)، عروسی و غیره (در بعد از ظهر) شرکت کرده و غذا صرف کنند که به شخصی بسپارند تا آنها را یادآوری کند که هنوز تفیلائی مینحا را نخوانده است (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۰).

۳-۳-۹. صعوبت در برپا کردن نماز جماعت

یهودیان برای برپا شدن نماز جماعت باید به یک حد نصاب شرعی به نام «مینیان» (عدد یا حد نصاب) برسند، از این رو همین امر عاملی برای صعوبت در تشکیل نماز جماعت آنان شده است. چون این نصاب معادل ده مرد بالغ است که حضورشان برای نماز جماعت لازم است (آئرنمن، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶).

موضوع حضور عده کافی برای نماز جماعت آن قدر مهم است که نقل شده است: «روزی ربی الیعزر به کنیسه آمد و در آنجا ۱۰ نفر را نیافت که بتواند نماز جماعت بخواند، چون با خود او فقط ۹ نفر بودند. از این رو او غلام خود را آزاد کرد و در نتیجه عده کافی برای نماز جماعت فراهم شد» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۱۰۳).

گفتن و قرائت تورات دعوت شوند نه بیشتر (آذرحیان، بی‌تا، ص ۳۷). نباید حداقل کمتر از ده آیه برای هر سه نفر خوانده شود؛ سه نفر اول و دوم نباید کمتر از سه آیه باشد و نفر سوم از چهار آیه کمتر نباشد، و همچنین باید دقت کرد آن چه باقی می‌ماند، نباید کمتر از سه آیه باشد (آذرحیان، بی‌تا، ص ۳۸).

کسی که برای براخای تورات دعوت می‌شود، هنگام رفتن باید از کوتاه‌ترین راه، و هنگام بازگشت، از طولانی‌ترین راه باید برگردد. اگر مسافت رفت و برگشت مساوی است، باید از سمت راست برود و از سمت چپ برگردد. شخصی که براخا گفته، باید بایستد تا شخص بعدی بیاید و براخا بگوید، آن وقت برگردد تا همیشه سه نفر کنار سفر تورات حضور داشته باشند (آذرحیان، بی‌تا، ص ۳۹).

در محل‌هایی که تورات کاشر (یعنی نوشته‌شده با دست‌خط روی پوست به صورت طومار) وجود ندارد، نمی‌توان از روی کتاب تورات و یا حتی اگر به صورت طومار روی کاغذ یا پارچه نوشته شده باشد، براخا گفت. حتی اگر سفر تورات روی پوست و با دست خط نوشته شده باشد ولی کامل نباشد و هر پنج سفر باهم دوخته شده باشند، نمی‌توان از روی آن براخا را تلاوت کرد. و اگر در هنگام قرائت، به غلطی برخورد کردند، حتی اگر یک حرف باشد، باید تلاوت متوقف شود و تورات دیگری را بیرون بیاورند و از جایی که غلط پیدا شده است، ادامه بدهند. اگر سه آیه خوانده بود، می‌تواند در همانجا قطع کند و شخص دعوت شده براخا بگوید، آن وقت تورات بعدی درآورده و شخص دیگری براخا گفته و ادامه بدهند (آذرحیان، بی‌تا، ص ۴۰).

یکی از قوانین و شرایط لازم برای ادا کردن متن‌های مقدس، این است که باید برحذر بود که هنگام ادا کردن متن‌های مقدس، پوششی که می‌تواند جدایی به وجود آورد، «مانند کمربند» بین سر و قلب با عروای (آلت تناسلی) تلاوت‌کننده متن مقدس، بنحوی جدایی بیاندازد که قلب او «اگر مثلاً قلب، چشم داشت» قادر به دیدن «عروا» نباشد. بنابراین شخصی که شلوار یا لباس زیر و کمربند نیز ندارد (با وجود اینکه تمام بدن او پوشیده است)، نمی‌تواند هیچ براخا یا متن مقدس دیگری را بر زبان بیاورد (مجموعه قوانین، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷).

۳-۳-۸. صعوبت در تفیلائی مینحا (عصر)

حاخام‌ها برای اینکه نماز گزار تفیلائی مینحا را از دست ندهد، چندین

که البته این ممنوعیت با حرجی همراه نیست. چون می‌توان قرآن را بدون اینکه به آیاتش دست زد، در دست گرفت و تلاوت کرد. حال آنکه در یهودیت، بلافاصله بعد از بیدارشدن از خواب، نه می‌توان به اعضای بدن دست زد و نه دیگر اشیاء پیرامون خود، و حتی در دور ریختن آب نطیلا، همان گونه که بیان شد، ممنوعیت‌های فراوانی در یهودیت وجود دارد؛ درحالی که در اسلام، هیچ محدودیتی که حرام باشد، برای دور ریختن یا استفاده آب وضو بیان نشده است؛ حتی آب وضو را از پاک‌ترین و نورانی‌ترین آب‌ها دانسته شده، درحالی که در یهودیت آب وضو از «ادرار» هم ناپاک‌تر است. لذا به همین خاطر آن محدودیت‌های یادشده را برای آن مطرح می‌کنند. یا اینکه یهودیان حتی اگر یک تکه نان هم در آب وضو بیفتد، دیگر برای نطیلا غیرقابل استفاده می‌دانند؛ اما در اسلام آب تا زمانی که از عنوان «مطلق» (مضاف نبودن) خارج نشود، وضو گرفتن با آن، بلا مانع است (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۱). شاید این مشکلات در یهودیت ناشی از نبودن ملاک و مبنایی برای اموری مانند آب وضو باشد، درحالی که در اسلام، ملاک و معیاری چون «مطلق» بودن آب وضو، بسیاری از مسائل را روشن می‌کند.

شرط دیگر وضو در اسلام، در مورد ظرف آب وضو است، که نباید از «طلا» و «نقره» باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۵) که البته این امر نیز موجب صعوبت و حرجی نمی‌شود، چنان که واضح است. همچنین در اسلام وضوی ارتماسی (همان، ج ۱، ص ۳۵) نیز می‌توان گرفت، از این رو وضو گرفتن با این روش، در شرایط خاصی، آسان‌تر نیز می‌باشد.

۴-۳. سهولت در پوشش نمازگزار

اسلام در پوشش مردان، تنها پوشاندن عورت را برای نماز واجب و لازم می‌داند، لذا یک مرد فقط با پوشاندن عورتش می‌تواند نماز بخواند. از این رو همین قلت در پوشش، عاملی است برای سهولت نماز در اسلام. حتی اگر نمازگزار در شرایطی باشد که هیچ لباسی نداشته باشد، می‌تواند بدون لباس نیز نماز بخواند (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹). برخلاف یهودیان که با وجود مواردی مانند طلیت، بندهای طلیت و بستن تفیلین به بازو و سر، مخصوصاً در نمازهای صبح، و با آن قوانین دست‌وپا گیر، شرایط سختی را

و جالب این است که زنان در تأمین این حد نصاب نقشی ندارند، به عبارت دیگر، مثلاً اگر ۹ مرد یهودی در کنیسه حضور داشته باشند و همراه آنها زنان بسیاری نیز در کنیسه حضور داشته باشند، با این حال نماز جماعت تشکیل نمی‌شود، چون زنان جزء حد نصاب نیستند، و این یکی از نتایج صعوبت در برپا کردن نماز جماعت یهودیان است.

۴. بررسی سهولت و صعوبت نماز در اسلام

پیش از بررسی کردن نماز در اسلام لازم است که نکته‌ای را خاطرنشان کنیم و آن هم در مورد شروط و شرایطی است که اسلام برای نماز مشخص کرده است. توضیح آنکه عامل سهولت نماز در اسلام، تعیین شروط و شرایطی است که مناسب و متناسب با توان و وسع مکلف است و عامل دیگر سهولت، تخفیفات و تبصره‌هایی است که اسلام برای آن شروط و شرایط مقرر کرده است.

۴-۱. سهولت در مدت نماز

مدت زمان لازم برای انجام هر نوبت از نمازهای چهار رکعتی در اسلام، با احتساب واجبات آن، زمان زیادی نیست و در نمازهای صبح، نهایت سهولت را مشاهده می‌کنیم، چون نماز صبح، در زمان بسیار کوتاهی به پایان می‌رسد. همچنین وضعیت در نمازهای مناسبتی اسلام، به همین منوال است؛ یعنی در دیگر نمازهای واجب مانند نماز جمعه، نماز آیات، نماز عیدین و نماز میت، نهایتاً در همه آنها مانند نمازهای روزانه، در مدت زمان کمی می‌توان آنها را انجام داد، البته شایان ذکر است که نماز آیات با توجه به علل وجوبش، به طور میانگین هرچند سال یک بار، یک مرتبه بر هر مکلف واجب می‌شود. اما در یهودیت همان گونه که بیان شد، هر وعده از نمازهای روزانه با توجه به کثرت دعاها و اعمال نماز یهودیان، تقریباً یک ساعت طول می‌کشد و در نمازهای مناسبتی، به‌ویژه نماز صبح شبات، این طولانی بودن به اوج خود، یعنی ۲/۵ تا ۳ ساعت می‌رسد.

۴-۲. سهولت در وضو گرفتن

شرایطی که برای وضو در اسلام در نظر گرفته شده، برخلاف یهودیت موجب محدودیت‌هایی که نمازگزار را در عسر و حرج قرار دهد، نمی‌شود. تنها کاری که بدون وضو نمی‌توان انجام داد، لمس کردن آیات قرآن می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۳)

کشتارگاه، و بیت‌الخلأ و حتی پشت بامی که محل بول کردن قرار گرفته، و در خوابگاه شتر، و طولیله اسب و قاطر و الاغ و گاو و گوسفندان، مکروه است (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۷۷)؛ برخلاف یهودیت که در مکانی که کثیف، بدبو، یا جایی که مدفوع باشد، مانند مکانی که بچه‌ای در آن جا حضور دارد، که درون پوشکش مدفوع باشد، یا باید دو متر از آن مکان فاصله بگیرد و در غیر این صورت باید آن مکان را ترک کند و یا در جایی که «وان» یا «دوش» حمام باشد، نماز خواندن جایز نیست و یا در مکانی که آینه و عکسی که برآمدگی و فرورفتگی دارد، نماز جایز نیست و در مکانی که عکس هست، اما آن خصوصیات را ندارد، باید با چشمان بسته نماز خواند و در مکانی که یک یهودی مشغول خواندن «تفیلای لخش» است، هیچ‌کس نباید در فاصله دو متری او بنشیند و یا هیچ‌کس نباید از مقابل او رد شود، درحالی که در اسلام هیچ‌کدام از این موارد، ممنوع نشده و نمازگزار در هر مکانی غیر از آنچه بیان شده می‌تواند نماز بخواند، بدون آنکه دچار سختی‌ها و مشقت‌هایی مانند آنچه یهودیان با آن درگیر هستند، بشود.

۴-۵. سهولت در نماز صبح

نماز صبح در اسلام بسیار راحت و در زمان دو دقیقه به اتمام می‌رسد و علاوه بر این، قبل از خواندن نماز صبح، هیچ چیز بر نمازگزاران مسلمان ممنوع نیست؛ برخلاف یهودیان که خوردن و کار کردن قبل از تفیلای لخش نماز صبح ممنوع است، و این امر به نوبه خود برخی از اموری، مانند موارد مذکور (خوردن و کار کردن) را برای یهودیان بسیار سخت و یهودیان را در تنگنا قرار می‌دهد.

۴-۶. سهولت در نماز ظهر و عصر

پیش از نمازهای ظهر و عصر در اسلام، چیزی ممنوع نیست، و نمازگزار محدودیتی برای نماز خواندن از ناحیه عوامل بیرونی ندارد، اما در یهودیت برای حفظ نماز مینحا از قضا شدن، حاخام‌ها پیش از خواندن نماز مینحا اموری را منع کرده‌اند، مانند حمام کردن، و به مراسم‌هایی مانند عروسی رفتن، اصلاح سر و صرف غذای مفصل، از سه ساعت و نیم پس از نیمه روز، البته اگر در این امور به شخصی بگویند که هنوز نماز مینحا را نخوانده‌اند، و او این امر را به او یاد آوری کند، در این صورت آن امور ممنوع را می‌تواند انجام دهد.

برای نمازگزاران یهودی ایجاد کرده‌اند تا جایی که اگر تفیلین سهواً از دست نمازگزار به زمین بیفتد، باید یک روز کامل «روزه» بگیرد. البته لباس نمازگزار در اسلام شرایطی نیز دارد، مانند: نجس نبودن، غصبی نبودن، استفاده نکردن طلا و لباس ابریشمی خالص برای مردان و اینکه لباس اگر از اجزای حیوان است، باید ذبح شرعی شده باشد و البته اگر اجزای غیر روح دار، مانند مو، کرک و پشم باشد، ذبح شرعی نیز لازم نیست (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۶۸-۲۵۸). لذا با دقت در این شرایط درمی‌یابیم که، چنین شرایطی نیز، نماز را برای نمازگزار مسلمان، صعب و طاقت‌فرسا نمی‌کند؛ چراکه لباس نجس و غصبی، از امور مورد ابتلا نیست. جالب اینجاست که در لباسی که با خون نجس شده، اگر نجاست آن به اندازه تقریباً یک بند انگشت سبابه باشد، نماز خواندن با آن اشکالی ندارد (همان، ج ۱، ص ۲۲۳)؛ و یا اینکه مردان مسلمان، اصلاً از طلا یا لباس ابریشمی استفاده نمی‌کنند، تا محدودیتی برای آنان ایجاد کند و همچنین لباس‌های موجود در بازار مسلمانان، محکوم به طهارت و پاکی هستند (همان، ج ۱، ص ۲۶۳). از این‌رو شرایطی که اسلام مطرح می‌کند، درست است که شرایط دقیقی هست، اما موجب صعوبت و عسر و حرج نمی‌شوند و همچنین در مواردی مانند لباس نجس، برای نمازگزار تخفیفاتی جهت سهولت امر نماز، در نظر گرفته شده است.

۴-۴. سهولت در مکان نماز

از جمله شرایط مکان نماز در اسلام، غصبی نبودن آن است، که البته شرط معقولی است، چون در واقع این شرط برای حفظ حریم و مالکیت دیگران است. البته در برخی از مکان‌ها که از قرائن و شواهد معلوم است که صاحب آن رضایت دارد، نماز خواندن جایز است. اما در مجموع، نماز خواندن در مکان غصبی از امور مبتلا به مکلف نیست؛ بلکه از اموری است به صورت استثنایی برای نمازگزار شاید اتفاق بیفتد و آن هم به سوء اختیار اوست و در عسر و حرج قرار گرفتن او به خاطر غصبی است که مرتکب شده نه به خاطر حکم شرعی. لذا نمازگزار با وجود این شرط در عسر و حرج نخواهد افتاد. شرط دیگر، نجس نبودن مکان نماز است. البته اگر نجاستش به گونه‌ای باشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند؛ و الا نماز خواندن در آن مکان، مثلاً اگر نجس باشد ولی خشک باشد، جایز است. خواندن نماز در حمام، حتی در رخت‌کن آن، و در محل زباله، و

همچنین قاضی قبل از خواندن نماز مینحاجز به قضاوت نیست. اما در اسلام به هیچ عنوان این امور دست و پاگیر وجود ندارد.

۴-۷. سهولت در برپا کردن نماز جماعت

نماز جماعت در اسلام حتی با یک فرد بالغ و یک بچه «ممیز» هم، بر پا می‌شود؛ یعنی حداقل نصاب برای نماز جماعت مسلمانان، دو نفر است، و اگر از آن دو نفر نیز یک نفرشان، بچه ممیز باشد کفایت می‌کند. اما برای برگزار شدن نماز جماعت یهودیان، حداقل ده مرد بالغ لازم است. و نکته تأمل برانگیز این است که زنان در تأمین حد نصاب نماز جماعت نقشی ندارند و این در حالی است که یهودیان بسیار بر نماز جماعت تأکید می‌کنند. بنابراین اسلام در این زمینه نیز بر نمازگزاران سخت نمی‌گیرد، چون در اسلام، نفس برپاشدن نماز جماعت و کیفیت آن اهمیت دارد، نه کمیت آن.

نتیجه‌گیری

با توجه به ملاک سهولت و صعوبت نماز و با توجه به آنکه شرط قدرت در یهودیت، «قدرت عقلی» است این نتیجه به دست آمد که نماز در آیین یهود، عبادتی پرزحمت و با جزئیات فراوان است. با توجه به شروط و قوانینی که برای نماز در یهودیت مقرر شده، نمازگزار را در مضیقه و تنگنای بیشتری قرار می‌دهد. فقدان برخی شروط و تخفیفات و تبصره‌های لازم و متناسب با عبادت نماز، صعوبت آن مضاعف شده است. اما در اسلام چون شرط قدرت در عبادت، «شرعی و عرفی» است، اعمالی که در نماز برای مکلف مقرر شده در حد «وسع» و توان عرفی مکلف است. در اسلام تخفیفات و تبصره‌های مناسب و متناسب با شرایط نمازگزار مقرر شده تا نمازگزار در تنگنا و صعوبت قرار نگیرد. لذا با توجه به بررسی انجام شده در مورد سهولت و صعوبت نماز در یهودیت و اسلام، می‌توان نتیجه گرفت که اسلام برخلاف یهودیت، مسیر نماز را برای رسیدن به هدفی که از آن مدنظر است، مسیری آسان و هموار قرار داده و در برخی از موارد که به ظاهر ناهمواری‌هایی دیده می‌شود، با ارائه شروط و تبصره‌ها و جایگزین‌های مناسب، از این ناهمواری‌ها می‌کاهد.

منابع.....

- ابن فارس، ابوالحسین احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- ایستاین، ایزیدور، ۱۳۸۶، *کتاب فرهنگ و ادیان جهان*، گروه مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- اشرفی، عباس، ۱۳۸۴، *عبادات در ادیان ابراهیمی*، تهران، امیرکبیر.
- آزرحیان، هاراو ویدیبا، بی‌تا، *شرعیات دین یهود*، بی‌جا، بی‌نا.
- آنترن، آلن، ۱۳۸۵، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بی‌ناس، جان، ۱۳۷۰، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
- پیترز، اف.ئی، ۱۳۹۲، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *حکمت عبادات*، قم، اسراء.
- سلیمانی اردستانی، حسین و مهدی قاسمی، ۱۳۹۲، «نماز در آیین یهود»، *پژوهش‌های ادیانی*، ش ۲، ص ۱۱۷-۱۳۸.
- طاهری آکردی، محمدحسین، ۱۳۹۰، *یهودیت*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- عبداللهی‌نژاد، عبدالکریم، ۱۳۷۹، «سماحت و سهولت در شریعت اسلام»، *مطالعات اسلامی*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۳۲۵-۳۴۶.
- فرحی، علی، ۱۳۹۰، *تحقیق در قواعد فقهی اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- کتاب مقدس*، ترجمه قدیم، ۲۰۰۹، ایلام.
- کهن، آ، ۱۳۵۰، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه فریدون گرگانی، تهران، چاپخانه زیبا.
- گوهریان، بنیامین، ۱۳۹۶، *تفیلی عزرا*، بی‌جا، سیف.
- مجموعه قوانین*، بی‌تا، بی‌جا، بی‌نا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۲۵ق، *تحریرالوسیله*، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- هینلز، جان راسل، ۱۳۸۵، *یهودیت: بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- یاشار، هاراه، ۱۳۶۴، *روشن زندگی*، ترجمه موسی زرگری، بی‌جا، بنی تورا.